فصلنامه علمی تخصصی طب کار
دورهٔ اول/ شماره اول/ پاییز۸۸ / صفحات۱۹- ۱۴

بررسی اثربخشی آموزش برآگاهی و نگرش نسبت به سوء مصرف مواد درکارکنان شرکت های پتروشیمی منطقه پارس جنوبی

احمد حاجبی*[۱]، پیمان فریدنیا[۲]، محمدصادق ظریف[۳]

۱- روانپزشک، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران
۲- پزشک عمومی، بهداشت و درمان صنعت نفت استان بوشهر
۳- پزشک عمومی، مرکز بهداشت و طب صنعتی پارس جنوبی

تاریخ دریافت: ۲۳/۱۱/۸۶ تاریخ پذیرش: ۱۹/۲/۸۷

چکیده

مقدمه: یکی از شیوه های مهم پیشگیری از اعتیاد،کاهش تقاضا از طریق آگاه کردن گروه‌های مختلف مردم از مضرات و خطرات مصرف مواد است. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش بر میزان آگاهی و نحوه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد، در کارکنان شرکت های پتروشیمی منطقه پارس جنوبی در تابستان سال ۱۳۸۵ طراحی شد.

روش بررسی: این مطالعه از نوع تجربی و حجم نمونه ۲۲۴ نفر بود. نمونه گیری به روش تصادفیِ چند مرحله ای (multistage) انجام شد. در این بررسی پرسشنامه ۲۱ سؤالی که توسط پژوهشگران آماده شده بود، مورد استفاده قرار گرفت. اعتبار صوری آن مناسب و پایایی آن با استفاده از روش آزمون- باز آزمون مورد قبول بود(r = ۰/۸).

یافته ها: این تحقیق نشان داد که آموزش بر روی آگاهی و نگرش کارکنان نسبت به سوء مصرف مواد تأثیر دارد و این تأثیر بر روی کارکنان با تحصیلات دیپلم بیشتر از سایر گروه های تحصیلی است. از طرفی نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد که تفاوتِ تأثیر آموزش در میزان آگاهی و چگونگی نگرش افراد نسبت به پدیده سوء مصرف مواد، بعد از آموزش در کارکنان با وضعیت شغلی" عادی کار" نسبت به" اقماری کار" معنادار است.

نتیجه گیری : یکی از رویکردهای عمده پیشگیری از اعتیاد، کاهش میزان تقاضا است، بنابر این آگاه کردن اقشار و گروههای مختلف مردم از خطرات و مضرات مصرف مواد و همچنین آگاهی آنها از اثرات نامطلوب مواد بر سلامت جسمی، روانی، کارکرد شغلی، اجتماعی و خانوادگی می تواند راهکار اجرایی مؤثری در سطوح مختلف پیشگیری از اعتیاد باشد. اگر افراد از این اطلاعات مطلع باشند و آنها را باورکنند، احتمال کمتری دارد که به مصرف مواد اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: سوء مصرف مواد، آگاهی، نگرش، اقماری کاری

*نویسنده مسئول: دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روانپزشکی تهران- مرکز تحقیقات بهداشت روان. تلفن: ۲۵-۶۶۵۰۹۰۲۴- ۰۲۱

[Downloaded from tkj.ssu.ac.ir on 2026-11-18]

مقدمه

مسأله اعتیاد، امروزه از مسائل مهم اجتماعی در اکثر کشورها و مشکل عمده‌ای برای دولت ها تلقی می شود. اعتیاد از آن رو حائز اهمیت است که پیامد های مضر آن نه تنها خود فرد، بلکه معمولاً همسر، فرزندان، خانواده واطرافیان فرد معتاد را در بر گرفته و ارزشها و هنجارهای جامعه را نیز در معرض خطر قرار می دهد. استفاده از این مواد زمینه و شرایط ارتکاب جرم را فراهم می سازد (۱و۲). اعتیاد چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم، از طریق ایجاد وابستگی شدید به مصرف مواد، تضعیف و متزلزل ساختن بنیانهای روانی، اخلاقی و اجتماعی، تأمین هزینه تهیه آن، محرومیت از برخی امکانات و خدمات اقتصادی و اجتماعی به تدریج باعث گرایش فرد معتاد به ارتکاب جرم می شود (۳).

علاوه بر این، اعتیاد به مصرف مواد با پدید آمدن شرایط آسیب زائی مانند اختلال و فروپاشی کانون خانواده، تکدی، انحراف جنسی و خود فروشی، باعث شکل گیری مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی می گردد (۴) و این خود معلول عوامل و شرایطی است که شناخت دقیق آن به پیشگیری از اعتیاد در سه سطح اولیه، ثانویه و ثالثیه کمک می کند. واضح است که بدون استراتژی پیشگیری موفق، کلیه سیاست های مبارزه با مواد در نهایت شکست خواهند خورد. اگر چه قوانینی که قاچاق و در اختیار داشتن مواد را منع می کنند عنصر مهمی در استراتژی ملی مبارزه با مواد به حساب می آیند و نشانگر معیارهای رفتاری جامعه هستند، در صورتی که خود مصرف کنندگان به این نتیجه نرسند که مصرف مواد به ضررشان است، کارآیی لازم را نخواهد داشت. جهانی شدن هنجارهای اجتماعی باعث کاهش تقاضا می گردد که این خود یکی از کارکردهای اصلی برنامه پیشگیری از سوء مصرف مواد می باشد(۵). با توجه به آنچه ذکر شد، پیشگیری از سوء مصرف مواد در برگیرنده اعمالی است که به کاهش در معرض خطر بودن فرد و افزایش عوامل محافظت کننده از سوء مصرف مواد منجر می شود. پژوهش حاضر در نظر دارد که با اجرای برنامه آموزشی و براساس رویکرد اطلاع رسانی به بررسی و مقایسه میزان آگاهی و نحوه نگرش افراد گروه مورد و شاهد بپردازد تا مشخص شود که آموزش تا چه حد در نحوه نگرش و میزان آگاهی افراد نسبت به پدیده سوء مصرف مواد اثر دارد. علاوه بر این، با استفاده از نتایج این مطالعه می توان به برنامه ریزی جامع تر و دقیق تری در خصوص انجام برنامه های پیشگیرانه سوء مصرف مواد پرداخت تا علاوه بر کاهش عوارض اجتماعی و فردی اعتیاد، بهره وری و بازدهی شغلی افراد نیز افزایش پیدا کند.

روش بررسی

این مطالعه از نوع تجربی است و بر روی کارکنان شاغل در هفت شرکت پتروشیمی واقع در منطقه پارس جنوبی اجرا شده است. جامعه پژوهش را کارکنان رسمی و پیمانی تشکیل می دادند که از این جامعه به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای(multistage) ۲۲۴ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. در این پژوهش پرسشنامه ساخته محقق حاوی ۲۱ سؤال که در ارتباط با آگاهی و نگرش آزمودنیها نسبت به پدیده سوء مصرف مواد می باشد، مورد استفاده قرار گرفت. اعتبار صوری پرسشنامه توسط پنج روانپزشک و روانشناس مورد بررسی قرار گرفت و موارد نامفهوم و مبهم اصلاح و یا حذف گردید. سپس پایایی پرسشنامه بوسیله آزمون – بازآزمون ارزیابی شد که نتیجه آن نشان دهنده پایایی مورد قبول بود ($r = ۰/۸$).

در این پژوهش در مرحله پیش آزمون پرسشنامه ها بین افراد گروه مورد و شاهد توزیع شد و با راهنمایی از طرف کارشناسان آموزش دیده، تکمیل گردید. سپس گروه مورد در یک دوره آموزشی چهار جلسه‌ای و در مجموع به مدت هشت ساعت شرکت نمودند. محتوای آموزشیِ دوره آشنایی با مواد مورد سوء مصرف است، علائم و نشانه‌های سوءمصرف، عوارض ناشی از آن و همچنین راههای پیشگیری از آن بود. در پایان دوره آموزش بار دیگر پرسشنامه ها توسط گروه مورد و شاهد تکمیل شد.

اطلاعات کسب شده از مطالعه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. تحلیل اطلاعات شامل آمار توصیفی(فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار تحلیلی(t-test، ANOVA یکطرفه و دو طرفه) بود.

[Downloaded from tkj.ssu.ac.ir on 2026-11-18]

یافته ها

در این مطالعه ۲۲۴ نفر (۱۱۲ نفر گروه مورد و ۱۱۲ نفر گروه شاهد) از کارکنان مرد چهار شرکت پتروشیمی واقع در منطقه پارس جنوبی با میانگین سنی ۸/۷ ± ۳۶/۳ در گروه مورد و۸/۵ ± ۳۷/۲ در گروه شاهد مورد بررسی قرار گرفتند. در این مطالعه فرض شده بود که بین آموزش و میزان آگاهی و نحوه نگرش نسبت به پدیده سوء مصرف مواد رابطه معنی داری وجود دارد که بر اساس نتایج بدست آمده با آزمون تی دونمونه ای، این فرضیه تأیید گردید (p < ۰/ ۰۰۰۱).

در این مطالعه علاوه بر فرضیه فوق الذکر پرسش دیگری مطرح شد که در آن رابطه بین اثر بخشی آموزش و دو متغیر جمعیت شناختی یعنی میزان تحصیلات و وضعیت شغلی، مورد سؤال قرار گرفت.

جداول۱و۲ نشان دهنده میانگین تغییر نمره (پس آزمون- پیش آزمون) در دو گروه مورد و شاهد و به ترتیب بر حسب میزان تحصیلات و وضعیت شغلی است.

.

جدول۱. میانگین تغییر نمره در دو گروه مورد و شاهد بر حسب میزان تحصیلات

گروه های مورد و شاهد وضعیت شغلی	گروه مورد	گروه شاهد
اقماری کار	۲۲/۸ ± ۵/۱	۱/۵ ± ۱/۳
عادی کار	۱۷/٤ ± ۳/۹	۰/۷۵ ± ۱/٤

جدول۲. میانگین تغییر نمره در دو گروه مورد و شاهد بر حسب وضعیت شغلی

گروه های مورد و شاهد گروه تحصیلی	گروه مورد	گروه شاهد
دیپلم	۲۵/۰ ± ۲/۷	۱/٤ ± ۱/۳
فوق دیپلم	۲۱/۰۷ ± ۵/۳	۱/۲ ± ۱/۳
لیسانس و بالاتر	۲۰/۹ ± ۵/۵	۱/۲ ± ۱/٤

برای ارزیابی تأثیر میزان تحصیلات بر تغییر نمرات پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه مورد و شاهد و بر حسب سه گروه تحصیلی دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس و بالاتر، از آزمون آنالیز واریانس دوطرفه استفاده شد. نتایج آزمون نشان داد که اثر اصلی برای متغیر گروه با (p <۰/۰۰۰۱)، و برای متغیر وضعیت تحصیلی(p < ۰/۰۵) معنا دار می باشد. از طرفی اثر متقابل بین وضعیت تحصیلی و گروه نیز معنا دار است (p < ۰/ ۰۵). این نتایج بدین مفهوم است که تفاوت در میانگین تغییر نمرات نه تنها بین دو گروه مورد و شاهد، بلکه در سطوح مختلف تحصیلی و در دو گروه نیزمعنا دار است. در پاسخ به این سؤال که بین کدام وضعیت تحصیلی و گروه تفاوت معنادار وجود دارد از آزمون یکطرفه استفاده شد که تفاوت معنادار بدست آمد (جدول۳).

نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که در گروه مورد، میانگین تغییر نمرات در افراد با تحصیلات دیپلم نسبت به دو گروه تحصیلی دیگر، دارای تفاوت معنادار است. بین میانگین

[Downloaded from tkj.ssu.ac.ir on 2026-11-18]

تغییر نمرات گروه مورد با هر نوع تحصیلات، و گروه شاهد دارای هر مقطع تحصیلات، تفاوت معنادار وجود دارد که بیانگر همان اثر اصلی گروه در آنالیز واریانس دوطرفه است. در گروه شاهد نیز تفاوتی معنادار در میانگین تغییر نمرات بین سه گروه تحصیلی وجود ندارد.

اثر وضعیت شغلی بر تغییر نمرات در دو گروه مورد و شاهد و بر حسب دو وضعیت شغلی اقماری و عادی کار بررسی شد. نتایج آزمون آنالیز واریانس دوطرفه نشان داد که اثر اصلی برای متغیر گروه ($p < ۰/۰۰۰۱$) و متغیر وضعیت شغلی($p < ۰/۰۰۱$)، معنادار است. اثر متقابل بین وضعیت شغلی و گروه هم، معنادار است ($p < ۰/۰۰۰۱$)، بنابراین نه تنها بین دو گروه مورد و شاهد تفاوت در میانگین تغییر نمرات معنادار است، بلکه در وضعیت های مختلف شغلی در دو گروه نیز تفاوت معنادار وجود دارد. در پاسخ به این سؤال،نتایج آزمون تعقیبی توکی هم مشخص کرد که بین میانگین تغییر نمرات گروه مورد با وضعیت شغلی اقماری با گروه مورد عادی کار، تفاوت وجود دارد. بین میانگین تغییر نمرات گروه مورد با هر نوع وضعیت شغلی با گروه شاهد در هر وضعیت شغلی، تفاوت معنادار وجود دارد که بیانگر همان اثر اصلی گروه است. در گروه شاهد نیز تفاوت در میانگین تغییر نمرات بین دو وضعیت شغلی معنادار نیست.

جدول۳. مقایسه میانگین تغییر نمرات بر حسب میزان تحصیلات در دو گروه مورد و شاهد (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	Sig
بین گروه ها	۱۰۰۶/۶۵	۲۰۱/۳۳	۵		
درون گروه ها	۷۱۸۹/۶	۳۳/۴۴	۲۱۵	۶/۰۲	۰/۰۰۰۱
کل	۸۱۹۶/۲۵		۲۲۰		

بحث و نتیجه گیری:

از مشکلات مهمی که در عصر حاضر اکثر کشورهای جهان را در گیر نموده است، افزایش روز افزون سوء مصرف مواد می‌باشد، که به صورت یک پدیده اجتماعی آسیب زا جلوه گر شده است. یکی از شیوه های مهم پیشگیری از اعتیاد، آگاه کردن گروه‌های مختلف مردم از مضرات و خطرات‌که بین کدام وضعیت شغلی و در کدام گروه تفاوت معنادار وجود دارد از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شد. نتایج نشان داد که تفاوت معنادار است (جدول۴).

اگر هر فرد از تأثیر نامطلوب مصرف مواد بر سلامت جسمی، روانی و همچنین کارکرد شغلی و اجتماعی خود و خانواده مطلع باشد و آن را باور کند احتمال کمتری دارد که به سوء مصرف مواد اقدام کند (۶).

بطور کلی مبارزه با اعتیاد در جهان بر سه روش مبارزه با عرضه، اقدامات درمانی و فعالیت های پیشگیرانه استوار است.

مبارزه با عرضه مواد و درمان سوء مصرف آن مشکلات زیادی را در بر دارد، بنابراین اجرای برنامه های پیشگیرانه از جمله اجرای برنامه های آموزشی از اهمیت زیادی برخوردار هستند (۷).

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش بر میزان آگاهی و نحوه نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در کارکنان پتروشیمی های منطقه پارس جنوبی بود. با توجه به یافته های حاصل از تحقیق می توان اظهار نمود که آموزش در خصوص آشنایی با ماهیت مواد مخدر و روانگردان، پیامدهای سوء وابستگی به مواد و شیوه های پیشگیری از اعتیاد، موجب ایجاد تغییرات معنی دار در نگرش و میزان آگاهی افراد تحت آموزش نسبت پدیده سوء مصرف مواد می گردد.

نتایج پژوهش در این مورد با آنچه که بلاک (۱۹۸۹؛ به نقل از هاوکینز و همکاران،۱۹۹۲) در مطالعه خود گزارش نموده است، هماهنگی دارد (۸). بلاک طی پژوهش خود دریافت که دانشجویان در سال ۱۹۸۸ بعد از طی یک دوره آموزش نسبت به سال ۱۹۸۷ نگرش منفی تری نسبت به سوء مصرف مواد داشتند و میزان کمتری از مصرف را در میان خود گزارش

[Downloaded from tkj.ssu.ac.ir on 2026-11-18]

کردند. بنابراین افزایش اطلاعات و دانش در باره سوء مصرف مواد می تواند نگرش منفی نسبت به مصرف آنها را افزایش داده و باعث کاهش احتمال مصرف مواد و کاهش برقراری روابط با افراد مصرف کننده شود. علاوه بر این باقری و بهرامی(۱۳۸۲) طی گزارشی که از مطالعه خود منتشر نمودند به همین نتیجه دست یافتند(۷). آنان دریافتند که بعد از اجرای برنامه آموزشی، تفاوت معنی داری بین نگرش افراد گروه مورد و شاهد نسبت به مواد وجود دارد. تحقیقات متعدد دیگری نیز نشان داده اند که بین شروع مصرف مواد و نگرشها و باورهای افراد درباره مواد ارتباط وجود دارد (۸). به عبارت دیگر شروع سوء مصرف مواد یک فرآیند رو به پیشرفت است. در آغاز فرد ممکن است نگرش مثبت نسبت به مصرف مواد داشته باشد و مصرف آزمایشی را شروع کند، سپس مصرف او شکل منظم به خود بگیرد و در نهایت دچار سوء مصرف مواد یا وابستگی شود (۹). در این مطالعه تأثیر آموزش بر میزان آگاهی و نحوه نگرش در دو گروه مورد و شاهد و بر حسب دو متغیر جمعیت شناختی میزان تحصیلات و وضعیت شغلی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان آگاهی و نحوه نگرش با متغیر میزان تحصیلات رابطه معنی داری وجود دارد. علاوه بر این مشخص گردید که در گروه مورد، آموزش های ارائه شده باعث شده که افزایش میزان آگاهی و نحوه نگرش در گروه دیپلم نسبت به افراد دو مقطع تحصیلی دیگر تفاوت معنی داری داشته باشد. در مجموع با توجه به آنچه که از تجزیه و تحلیل داده ها بدست آمد می توان اظهار داشت که آموزش برای افرادی که میزان تحصیلات آنها دیپلم است، بیشتر از مقاطع تحصیلی دیگر سودمند و مؤثر واقع می شود. گزارش موجود از مطالعه احمدی و غلامی آبیز (۱۳۸۲)، نتایج پژوهش حاضر را مورد تأیید قرار می دهد (۱). آنها در مطالعه خود دریافتند که بین میزان تحصیلات، نوع شغل و میزان در آمد، با وابستگی به مواد (نگرش مثبت نسبت به مصرف مواد) رابطه معنی دار وجود دارد. نتایج مطالعات آنان نشان داد که بین میزان تحصیلات و سطح شغلی با شدت اعتیاد، رابطه معکوس وجود دارد، به این معنی که هر چقدر بر میزان تحصیلات و سطح شغلی فرد افزوده شود، به همان میزان از شدت اعتیاد کاسته خواهد شد. مطالعه اخیر نشان می دهد. که احتمالاً افراد با میزان تحصیلات پایین تر، آسیب پذیری بیشتری نسبت به پدیده سوء مصرف مواد دارند و از آگاهی کمتری برخوردارند، بنابراین آموزش می تواند نگرش های نادرست آنها را تصحیح نماید. وضعیت شغلی، متغیر دیگری بود که اثر آن در میزان اثر بخشی آموزش مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل یافته ها نشان داد که تأثیر آموزش بر میزان آگاهی و نگرش کارکنان عادی کار بیشتر است و این تفاوت از نظر آماری معنا دار می باشد.

از جمله دلایلی که می توان برای آن ذکر نمود خستگی ناشی از کار و در نتیجه عدم آمادگی کارکنان اقماری کار برای حضور مؤثر در کلاس آموزشی است. زیرا این افراد معمولاً در طی دو هفته حضور در منطقه و بدون تعطیلات آخر هفته، هر روز بالغ بر دوازده ساعت کار می کنند و در موارد زیادی با توجه به ساعات اضافه کاری، ساعت حضور در محیط کار بیش از این هم می شود. بنابراین در اکثر موارد کارکنان اقماری کار از یک طرف اشتغال ذهنی با محیط کار و دوری از خانواده را دارند. و از طرف دیگر همانطور که اشاره گردید با خستگی فیزیکی ناشی از کار روبرو هستند. اطلاعات کسب شده از پژوهش حاضر مؤید این نکته است که آموزش به عنوان یک استراتژی پیشگیری از سوء مصرف مواد و از طریق افزایش آگاهی و تصحیح نگرش و همچنین ترویج فرهنگ ضد مصرف مواد، می تواند باعث کاهش تقاضا شود. از طرفی مشخص گردید که کارکنان با میزان تحصیلات کمتر نیاز به آموزش های بیشتری دارند و همچنین شرایط آموزش باید به گونه ای فراهم گردد که کارکنان اقماری کار با توجه به سختی شرایط کار بتوانند از آموزش ها بیشتر بهره‌مند شوند.

تقدیر و تشکر:

در اجرای این پژوهش از همراهی مدیریت درمانگاه های پتروشیمی پارس جنوبی و امور اداری مراکز صنعتی برخوردار بودیم. بدین وسیله از همکاری های ایشان سپاسگزاریم.

[Downloaded from tkj.ssu.ac.ir on 2026-11-18]

مراجع

۱.احمدی ح، غلامی آبیز م. بررسی عوامل اقتصادی – اجتماعی مؤثر بر اعتیاد: مطالعه موردی معتادان اردوگاه پیربنان شیراز. *فصلنامه علمی پژوهشی سوء مصرف مواد*.۱۳۸۲؛ سال دوم، شماره ۵: ۱۰۴– ۸۵ .

2. Ahmadi J. ***Prevention of substance use among offspring of opioid addicts***. Addict behav. 2003; 28(3): 591 – 595

3. Mc Ardel P.***International variations in youth drug use: the effect of individual behaviors, peer and family influences and Geographical location***. Eur Addict res. 2000; 6(4): 191- 192

۴. رحمتی م م. عوامل مؤثر در شروع مصرف مواد مخدر با اشاره به وضعیت معتادان زن. فصلنامه علمی پژوهشی سوء مصرف مـواد. ۱۳۸۱؛ سال اول ، شماره ۱: ۱۶۳–۱۳۳.

۵. داستانی م ت. اصول مربوط به کاهش تقاضا .تهران: دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر،۱۳۸۱.

6. Boyle M.H. ***Familial influences on substance use by adolescents and young adults***. Public Health. 2001; 92(3): 206- 209

۷. باقری م، بهرامی ه ا. نقش آموزش مهارتهای زندگی بر دانش و نگرش نسبت به مواد مخدر و عزت نفس دانش آموزان. فصلنامه علمی – پژوهشی سوء مصرف مواد . ۱۳۸۱؛ سال اول، شماره ۳ : ۱۷۲– ۱۴۹.

8. Hawkins, D. Catatano, F. Miller, J. ***Risk and protective factor for alcohol and other drug problem in adolescent and early adulthood***. Psychol Bull. 1992; 112(1):64-105.

9. MC peak, J.D, Kennedy, B.P, Gordon, S.M. ***Altered States of consciousness therapy***. J Subst Abuse Treat. 1991; 7: 75-82

10. Donovan DM. ***Assessment of addictive behaviors: implications of an emerging biopsychosocial model***. In: Donovan DM (editor). Assessment of Addictive Behavior. 2th ed. New York: Guilford Press; 2005: 49-70

[Downloaded from tkj.ssu.ac.ir on 2026-11-18]